

۲.....	مفهوم شناسی تزئین:
۲.....	نسبت بین زین و شین:
۲.....	تقسیمات تزئین:
۲.....	بخش اول: تزئین شخصی و خانوادگی
۳.....	مقام اول: قاعده اولی و اطلاق اولی
۳.....	مقام دوم: عناوین عامه
۳.....	مقام سوم: عناوین عامه ترغیب کننده:
۳.....	مقام چهارم: عناوین اولیه خاصه:
۳.....	بخش دوم: تزئین عمومی و دولتی
۴.....	مراحل بحث فقهی:
۴.....	مرحله اول: اجتهاد تک گزاره ای
۴.....	مرحله دوم: نظام بخشی
۴.....	مرحله سوم: نظام سازی فقهی
۴.....	مرحله چهارم: نظریات اصلی
۵.....	مرحله پنجم: جمع بندی یک نظام فقهی فلسفی
۵.....	بحث تزئین:
۶.....	مرحله چهارم: ارتباط تزئین با مبانی فلسفی و کلامی
۶.....	۱. حس زیبا خواهی انسان
۶.....	۲. روابط جسم و جان
۶.....	۳. خلق لکم ما فی الارض جمیعا
۷.....	۴. پیوندهای اجتماعی انسان
۷.....	۵. تهذیب نفس و کمال و رشد معنوی
۷.....	۶. پیوندهای خانوادگی
۷.....	۷. توازن بین این مجموعه
۷.....	۸. إن الله جمیل و یحب الجمال

## مفهوم شناسی تزئین:

مفهوم تزئین و تجمیل و بسیاری از مفاهیم دیگری که مترادف و هم پوشی با این تزئین و تجمیل دارد، یا مقابل اینها است. یک مجموعه واژه شناسی لازم دارد.

## نسبت بین زین و شین:

اصولاً این تزئین با مقابلش که شین باشد، یا تعبیر دیگری از این قبیل چه نسبتی دارد. دو احتمالی که دیروز گفتیم. و البته نکته اضافه بر آنچه که دیروز عرض کردیم، این است که زینت و تزئین اصطلاح عام و خاص دارد. آن من حرم زینت الله الی اخرج الله لعباده آنجا در واقع استفاده از نعم است. که به معنای عام است. و تزئین در بعضی از روایات معنای خاص تری است. و معنای عام آن ملکه و عدم ملکه می شود. و معنای خاص آن احتمالاً تضاد بشود.

## تقسیمات تزئین:

یک تزئین شخصی و خانوادگی است. و یک تزئین عمومی و دولتی است. در بخش اول تزئین شخصی و خانوادگی اقسامی دارد. تزئین در بدن، در ملبس، در مرکب، در مسکن و در مفجر و مکسب که همه اینها روایات و احکام دارد. که بعضی در فقه است و بعضی هم بحث نشده است. این یک قسم است که تزئیناتی که در حوزه شخص به عنوان فردش یا در خانواده یا در كفوش و امثال اینها مطرح می شود. که این خودش پنج تا است. بخش دوم که عمومی و دولتی باشد، آنوقت تزئینات عمومی و دولتی را با هم گرفته است. معابد و مساجد یکی است. مصحف یا مصاحف یکی است. معابر و عدن و اماکن عمومی یکی است. یکی هم ادارات و امکان دولتی است که به بیت المال ساخته شده است.

در هر کدام از این محورها باز تقسیماتی وجود دارد. مثلاً در بحث بدن از تزئینات تغییری جراحی و اینها یک قسمش است. یک قسم آن هم تزئینات و آراستگی های دیگری است که در مو و انگشتر، زیور آلات و آرایش مو و عطر و امثال اینها مطرح می شود. در ملبس که قسم دیگری بود، از نوع پارچه گرفته، تا دوخت و رنگ و امثال اینها هست. یا در مسکن خود ارتفاع آن و تفاسیر و نقوش مجسمات و امثال اینها است. تقسیمات ریزی هم در هر یک از این اقسام هست.

## بخش اول: تزئین شخصی و خانوادگی

در بخش اول که تزئین در امور شخصی و خانوادگی است، گفتیم که سه، چهار مقام از بحث وجود دارد.

### مقام اول: قاعده اولی و اطلاق اولی

در باب تزئین و تجمیل است. که اینجا بین اباهه و استحباب دور می زند. و بعید نیست که یک استحباب مطلقاً اینجا وجود داشته باشد.

### مقام دوم: عناوین عامه

عناوین عامه ای است که به نحو حرمت یا کراهت محدود می کند و چهار چوبهایی را برای این تزئین بیان می کند. که خود این عوامل محدود کننده تحریم یا تنزیه به دو بخش عناوینی که حالت عامه است و یک شرائط عامه را در می گیرد. و یک عناوین خاصه و شرائط خاصی مثل ایام حج و اینها یا برای افراد خاص یا در ایام خاص و زمانها و مکانهای مخصوص و امثال اینها است.

مقام دوم عناوین محدود کننده به نحو تنزیه یا تکریم است که دو قسم دارد.

### مقام سوم: عناوین عامه ترغیب کننده

به نحو وجوب یا ندب که البته این را بحث نکردیم. و در یک بحث کامل باید بیاید.

### مقام چهارم: عناوین اولیه خاصه

خودش چهار قسم می شود. لباس، بدن، مرکب و مسکن که در سه مقام قبلی ما فقط حدود وجوب و استحباب را معلوم می کنیم. ولی وقتی که وارد مقام چهارم بشویم خودش سه، چهار بخش پیدا می کند که در هر بخش حرفها و ادله و عناوین تهدید کننده یا ترغیب کننده ویژه همان قلمرو را بحث می کند که وارد این نشدیم.

این در واقع بخش اول که حوزه شخصی و خانوادگی است در چند مقام بحث می شود، که سه مقام اول مربوط به عناوین کلیه قواعد عامه است. و مقام چهارم می آید در تقسیمات ریزتری که در هر یک از لباس و مرکب و چهره و اینها هست که مقداری از آن را بحث کردیم.

### بخش دوم: تزئین عمومی و دولتی

بحثهای دولتی و عمومی و اینها هست که خیلی از آن بحثهای عناوین عامه آنجا را هم می گیرد. ولی حرفهای دیگری دارد که ما وارد آن نشدیم. عناوین عامه اضرار و اصراف و اینها که می گوییم همه عناوین عامه است که نسبت به موارد ثانویه می شود. از لحاظ مورد خاص است. مورد گاهی عنوان عام ثانوی است که در یک مورد می آید، گاهی عنوان اولیه در یک مورد است.

## مراحل بحث فقهی:

### مرحله اول: اجتهاد تک گزاره ای

استکشاف حکم در یک مسأله خاصه است، که یک حکم را به صورت مفرد و مستقل می بینیم و استخراج می کنیم. و نتیجه اش یک مسأله فرعیه است.

### مرحله دوم: نظام بخشی

تنظیم و تبویب مسائل مربوط به یک موضوع است. این نظیر همان تفسیر موضوعی به معنای اولیه است. که به اینها نظام می دهد. مثل اینکه ما الان می گوییم متفرقات را می شود جمع کرد و در یک چهار چوبی قرار داد. که این خیلی هم مؤثر و مفید هست.

### مرحله سوم: نظام سازی فقهی

این است که این متفرقات تجمیه شده، یک تحلیل عمیق تری نسبت به آن به عمل می آید. و به سه چهار تا نظریه و ضابطه خیلی اصولی ما در تحلیل می رسیم که همه اینها در سایه این سه چهار تا اصل کلیدی قرار می گیرند.

### مرحله چهارم: نظریات اصلی

این است که از این تحلیل و نظریه پردازی در حوزه فقه و حاکم بر فقه یک گامی به پیش بر می داریم و به عمق می رویم و اینها را ربط می دهیم با یک مبانی فلسفی و کلامی و انسان شناسی و در حقیقت استکشاف مبانی می کنیم. که اگر مرحله سوم و چهارم را کسی جمع بکند، این می شود مرحله پنجم که تجمیه مرحله چهارم و پنجم در یک نظریه کلان می شود نظریه اسلام، نظریه ای که از مبانی و فلسفی و انسان شناسی شروع می شود و به اخلاق و احکام ختم پیدا می کند.

این که در مرحله چهارم عرض کردم که ما به مبانی می رسیم. گفتیم این دو جور است گاهی فقط تکیه مان به خود اینها است، می خواهیم ببینیم چه مبانی فلسفی و کلامی و انسان شناسی دارد، گاهی هم یک نگاهی داریم به مبانی که خودش در آیات و روایات آمده و آن را می خواهیم یک پیوند بزنیم با این بحث، مثلاً در بحث خلق لکم من ازواج لتسکنوا الیها و جعل لکم موده و رحمه این با مجموعه از احکام فقهی متصل است. ما یک وقتی از خود اینها به همین ضابطه می رسیم، یک وقتی از اینها به اینجا می رسیم که این را هم بگیریم با آن تطابق دارد. و اینجا البته بحثها تحلیلی است ما کمتر می توانیم به بحث استکشاف حکم برسیم. یک وقتی ما برای استکشاف آن مبانی فلسفی و کلامی حرکت از حالت انی داریم. از سمت احکام به آنجا می رویم. گاهی از این سمت به آنجا می

رویم، ولی از آن طرف هم می رویم توصیفیات قرآن و روایات را می بینیم و این دو تا را با هم ربط می دهیم و پیوند می زنیم بین اینها این دو نوع است و جمعش باید کرد، وقتی کسی می خواهد هم نظام سازی بکند. و هم مبنا پردازی بکند. آن فقط بحث مستقلات عقلیه می شود. یعنی احج های ۵۳/ ۲۴ که عقل به طور قاطع یک مبنایی دارد و مطمئن هستیم به نحو قطع که این مبنای فلسفی، نتیجه اش این حکم شرعی است. خیلی باید احتیاط کرد. کسی بگوید کرامت انسان اقتضای این حکم را می کند. این جای احکام مستقلات و آن هم باید قطعی باشد. یا به عبارت دیگر یک ملازمه قطعی باید داشته باشد که این می فرماید: إن الله جمیل يحب الجمال، این يحب الجمال را گفته اند بگوییم که پس تجمیل خوب است. البته این در روایات در این مقام آمده راحت می شود این را استکشاف کرد. ولی همیشه به این سادگی نیست که بگوییم یک حکمی یک قانون توصیفی در شرع آمده من از آن این استخراج را می کنم. فرموده جعل بینکم موده و رحمه یا لتسکنوا الیها این صد در صد یا این ملازمه دارد که این را می خواهد بگوید. این در بحثهای روشن فکری امروز این قبیل چیزها زیاد است. بعضی از آقایون می گویند کرامت انسان است کرامت انسان هم مطلق است پس دیه زن و مرد باید مثل هم باشد. اینطور اقتضاها خیلی جای احتیاط دارد و به این سادگی نیست که آدم راحت بگوید یک اقتضای قطعی دارد که این، این حکم را در بیاورد. بخصوص اگر با احکامی مخالف باشد. در عالم ثبوت همیشه مبنا و رو بنا داریم. ولی در عالم حرکت اجتهاد و کشف ما همیشه اینطور نیست. ولی اگر از آن طرف بخواهید به سمت فقه بیاید کار دشواری است. این خودش یک منطقی دارد که باید در اصول روی آن کار بشود. در کلمات بزرگان مطرح هست و مورد توجه با این بحثهای روشن فکری و تحولات اجتهاد هم مرتبط است که ما بیایم یک حرکتی از مبانی کلامی و انسان شناسی به سمت احکام و گزاره های حکمی حرکت بکنیم. به عنوان متد یا روش اجتهادی این خودش امکان دارد اما بسیار دشوار است و جای احتیاط زیادی است ولی راه محدود نیست.

### مرحله پنجم: جمع بندی یک نظام فقهی فلسفی

که نتیجه همه اینها است. یعنی جمع بندی یک نظام فقهی فلسفی در یک حوزه ای است.

### بحث تزیین:

تزیین به معنای خاص یعنی آراستگی آن هم در حوزه لباس و شخص و مسائل شخصی که این تزیین را به عنوان یک اصل عمومی اسلام می پذیرد. اما اسلام این آراستگی حالت عمومی آن همراه با نوعی وقار و اعتدال را می پسندد. نوعی وقار و اعتدال و با توجه به تأثیر و تأثراتی که این با حوزه امور نفسانی دارد. زیاده روی را خیلی نمی پسندد. آراستگی در منظر یعنی بدن و در ملبس و در مرکب و در مسکن و در مسجر این اصل آراستگی مطلوب اسلام است و زهد بازی مطلوب اسلام نیست. زهد نمایی و شلخته گری اینها مطلوب اسلام نیست. تظاهر در اینها

چیز مطلوب در اسلام نیست. و آراستگی مطلوب است. اما محدوده اینها این است که آن وقار و اعتدال را در شخص حفظ بکند. و در بهره گیری از منابع هم برای اینها زیاده روی و ریخت و پاش و هرس و آز در آن حاکم نباشد. این حالت عمومی قصه است. اما این حالت عمومی حالت متعارف مطلوب عام است. در یک شرائط دیگر درجات این متفاوت می شود. بر حسب شئون فردی و اجتماعی و مقام و موقعیت و زمان و مکان یک مقدار درجه اینها از نظر نوع و کیفیت و درجه تفاوت پیدا می کند. این جمع بندی فقهی اخلاقی از این حوزه آراستگی منظر و ملبس و مرکب و مسکن و مسجر است. یک بخشی از آراستگی چون تأثیر و تأثرات روانی مثل تنظیف و تطیب و اینها آثار روانی دارد. یک بخشی از آن تأثیر بیرونی دارد که آنجا درون و بیرون فرق می کند.

### مرحله چهارم: ارتباط تزئین با مبانی فلسفی و کلامی

به نظر می آید با چند بحث انسان شناسی و کلامی و فلسفی این بحث ارتباط دارد.

#### ۱. حس زیبا خواهی انسان

یکی با آن حس زیبا خواهی انسان ربط دارد. این حس زیبا خواهی در واقع یکی از مبانی این مباحث و تنظیم احکام است.

#### ۲. روابط جسم و جان

یکی آن روابط جسم و جان است. که در آراستگی به شخص یک نوع انتظام روحی و خود شکوفایی می دهد. نظافت و آراستگی به آن یک نوع خود شکوفایی می دهد. و این در روانشناسی هم بحث شده است. یعنی کسی که استحمام کرده یک شکوفایی دارد که روی فکر و اخلاقیاتش اثر می گذارد. و لذا تنظیف و تزئین یک بخشش زیبا دوستی و زیبا خواهی خود شخص و دیگران است. و یکی با بحث رابطه و تأثیرات آراستگی ظاهر با آراستگیهای درونی و آن مسائل درونی ارتباط آنها در این جهت است. همانطور که زیاده روی و اینها با روحیات درونی ارتباط دارد. و لذا پیوند این ظواهر با درون چه در حوزه مثبت، چه در حوزه منفی باز یکی از مبانی این بحث است که اسلام به خوبی این را جهت گیری کرده و در خود روایات هم آورده است.

#### ۳. خلق لکم ما فی الارض جمیعا

و به خصوص اینکه خلقت این عالم برای بشر است. سخر لکم خلق لکم و به خصوص اینکه برای مؤمن است که در روایات آمده است. من حرم زینت الله الی اخرج الله لعباده که اینجا زینت به معنای عام است. این هم دو قاعده است که خلقت عالم برای بشر و بویژه خلقت عالم برای انسان مؤمن، این هم مبنایی است که با اینها مرتبط است.

#### ۴. پیوندهای اجتماعی انسان

یکی هم آن اهمیت و اجتماعی بودن انسان است. و پیوندهای اجتماعی انسان است. و اینکه رشد و کمال بشر به پیوندهای اجتماعی است. که این خیلی مهم است. که می گوید این آراستگی این پیوند ها را تقویت می کند. این پیوندهای اجتماعی یکی از مبانی آن است.

#### ۵. تهذیب نفس و کمال و رشد معنوی

#### ۶. پیوندهای خانوادگی

که باز مورد اهتمام و تأکید مهم اسلام است. و یک مبنای دیگر هم تعادل و تنظیم این احساسات و تمایلات انسان و شخصیت متوازن است. که این می آید حس زیبا خواهی را جواب می دهد. پیوندهای اجتماعی را جواب می دهد. ولی از آن طرف هم کمال روحی و تهذیب نفس را هم جواب می دهد.

#### ۷. توازن بین این مجموعه

مجموعه ای از این کششها و جاذبه ها است که پشت صحنه این احکام و قوانین و مقررات است.

#### ۸. إن الله جمیل و یحب الجمال

در چند روایت آمده که انسان خودش را آن طور که خدا می پسندد نه آن پسند تشریعی خدا، پسند تکوینی خدا در واقع، این هم یک نوع ارتباطی بین این اوصاف خداگونه. این هم اصل دیگری است که می شود اینجا آورد. و جای بحث دارد.